

## جستاری در شمار و تاریخ‌گذاری آیات براءت

جعفر نکونام\*

احمد مهدی‌زاده\*\*

### چکیده

آیات براءت عبارت است از آیات آغازین سوره «توبه» که امام علی (ع)، در ذی‌حجه سال نهم هجری، آن‌ها را بر حاجیان قرائت کرد. سؤالاتی که در این پژوهش بدان‌ها پاسخ داده می‌شود این‌که آیات براءت دربرگیرنده چند آیه و بر چند واحد نزول مشتمل است و هر واحد نزول از آن در چه تاریخی نازل شده است. درباره شمار این آیات اختلاف نظر است، اما بررسی‌های پژوهش حاضر ۲۸ آیه‌بودن آن را محتمل‌تر نشان می‌دهد. درخصوص تاریخ نزول آیات براءت نظر مشهور بر این است که در سال نهم هجری، پس از جنگ تبوک نازل شده‌اند، ولی با این فرض، جای‌گذاری آیات سوره «توبه» برخلاف ترتیب طبیعی نزول قرآن دانسته می‌شود، زیرا بخش دوم این سوره پیش از آن و درباره حوادث جنگ تبوک نازل شده است. در این نوشتار، علاوه‌بر نظر مشهور، احتمالاتی بررسی می‌شوند که نزول آیات براءت را پیش از جنگ تبوک می‌دانند و نشان داده می‌شود که نزول این آیات، در طی دو واحد نزول پیش از جنگ تبوک، یعنی مقارن با فتح مکه در رمضان سال هشتم هجری و پس از جنگ حنین، در شوال همان سال، بسیار محتمل است. در این صورت، آیات سوره «توبه» به ترتیب طبیعی نزول درکنار هم قرار گرفته‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** آیات براءت، ابلاغ آیات براءت، تاریخ‌گذاری، تاریخ نزول آیات براءت، تعداد آیات براءت.

---

\* دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، jnekoona@gmail.com

\*\* دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی، دانشگاه قم (نویسنده مسئول)، ahmad.mehdizadeh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۰۲

## ۱. مقدمه

سوره «توبه» یا برائت از واپسین سوره‌هایی است که در مدینه نازل شد. محتوای سوره را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد؛ بخش نخست، آیات ابتدایی سوره است که بر اعلان برائت از مشرکان و فرمان به قتال با آنان، پس از سررسیدن مهلت آنان و ممنوعیت ورودشان به مسجدالحرام از سال بعد، دلالت دارند و بخش دوم، آیاتی که درباره حوادث مربوط به غزوه تبوک نازل شده‌اند. مراد از آیات برائت در این پژوهش بخش اول سوره «توبه» است.

برطبق اسناد تاریخی، اختلافی نیست در این که بخش اول این سوره در مراسم حج سال نهم هجری از سوی علی بن ابی طالب (ع) به مردم حاضر در آنجا ابلاغ شد (برای نمونه، بنگرید به ابن هشام بی تا: ج ۲، ۵۴۶؛ ابن سعد ۱۴۱۰ ق: ج ۲، ۱۲۸؛ واقدی ۱۴۰۹ ق: ج ۳، ۱۰۷۸). غزوه تبوک پیش از آن و در فاصله رجب تا رمضان همان سال روی داد (ابن هشام بی تا: ج ۲، ۵۱۶، ۵۳۷؛ ابن سعد ۱۴۱۰ ق: ج ۲، ۱۲۵).

نخستین پرسشی که مطرح می‌شود این که شمار آیات برائت چند است و چند واحد نزول را در بر دارد. چنان که خواهد آمد، با پاسخ به این پرسش، راه تاریخ‌گذاری این آیات هموارتر خواهد شد.

سؤال دیگری که مطرح است این که آیات برائت پس از جنگ تبوک نازل شده یا پیش از آن. با فرض این که آیات برائت بلافاصله پیش از ابلاغ به مکیان در حج سال نهم هجری نازل شده باشد، باید گفت که این آیات پس از جنگ تبوک نازل شده است، زیرا جنگ تبوک در ماه‌های رجب و شعبان و رمضان سال نهم هجری رخ داد، اما اگر فرض بر این باشد که چنین آیات سوره «توبه» ترتیب طبیعی نزول خود را حفظ کرده و آیات برائت پیش از جنگ تبوک نازل شده باشد، باید گفت که آیات برائت در حدود یک‌سال پس از نزول آن ابلاغ شده است.

این گمان که آیات برائت بعد از جنگ تبوک نازل شده است، لازمه‌اش این است که در این سوره، آیات برخلاف ترتیب نزول جای‌گذاری شده باشد و چنانچه فرض بر این باشد که آیات در سوره‌های به تدریج نازل شده به ترتیب نزول، جای‌گذاری می‌شده، باید گفت که نزول آیات برائت پیش از جنگ تبوک رخ داده است. پس، با این فرض، باید بررسی شود که چه وجهی داشته است که آیات برائت پیش از نزول آیات مربوط به جنگ تبوک نازل شده است، ولی ابلاغ آن‌ها تا ذی‌حجه سال نهم هجری به تأخیر افتاده است.

احتمال سومی هم مطرح است، این که آیات براءت پیش از فتح مکه نازل شده باشد. مؤید احتمال سوم این که در آیات براءت، سخن از نقض عهد مشرکان است و این امر به صورتی بارز در سال هشتم هجری و طی نقض پیمان حدیبیه از سوی قریش در ماجرای یاری کردن قبیله بنی بکر علیه خزاعه به وقوع پیوست که عاقبت به لشکرکشی پیامبر اکرم (ص) از مدینه برای فتح مکه انجامید (ابن هشام بی تا: ج ۲، ۳۸۹-۳۹۰؛ ابن سعد ۱۴۱۰ ق: ج ۲، ۱۰۳). افزون بر آن، سیاق آیات دوازده تا پانزده این سوره و برخی عبارات به کاررفته در آن‌ها به گونه‌ای این احتمال را تقویت می‌کنند که ظاهراً این آیات پیش از فتح مکه نازل شده‌اند. برخی روایات تفسیری و آرای مفسران هم این گمان را تأیید می‌کنند. بنابراین، باید بررسی شود که آیا می‌توان چنین نتیجه گرفت که شانزده آیه نخست پیش از فتح مکه نازل شده‌اند. به این ترتیب، سه احتمال را می‌توان درباره زمان نزول آیات براءت و واحدهای نزول آن مطرح کرد.

احتمال اول این که آیات براءت سه واحد نزول را در بر بگیرند؛ واحد اول، عبارت از آیات ۱ تا ۱۶ باشد که قبل از فتح مکه نازل شده است و واحد دوم، عبارت از آیات ۱۷ تا ۲۴ باشد که مصادف با فتح مکه، یعنی در رمضان سال هشتم هجری، نازل شده است و آیات ۲۵ تا ۲۸ که مصادف با جنگ حنین، در شوال همین سال، نازل شد.

احتمال دوم این که آیات براءت دو واحد نزول را در بر بگیرند؛ واحد اول، عبارت از آیات ۱ تا ۲۴ باشد که مصادف با فتح مکه، یعنی در رمضان سال هشتم هجری، نازل شده و آیات ۲۵ تا ۲۸ که مصادف با جنگ حنین، در شوال همین سال، نازل شده است.

احتمال سوم این که آیات براءت پس از جنگ تبوک نازل شده باشد که در فاصله ماه‌های رجب و شعبان و رمضان سال نهم هجری واقع شد. این احتمال سوم، منطبق بر نظر مشهور است، ولی چنان که آمد، با مبنای موافقت با ترتیب نزول آیات درون سوره‌ها منافات دارد، اما دو احتمال نخست با مبنای یادشده سازگاری دارند. در واقع، مسئله اصلی این پژوهش یافتن راهی برای برطرف کردن این منافات به مدد بررسی رجحان دو احتمال نخست بر نظر مشهور است.

## ۲. پیشینه

پیشینه این پژوهش در دو بخش ذکر می‌شود؛ اول، پیشینه روش تحقیق و دوم، پیشینه تاریخ‌گذاری آیات براءت و تعیین تعداد آن آیات. درباره روش، باید گفت که این روش با

ویژگی هایی که پیش تر آمد، در گذشته سابقه‌ای ندارد و فقط اخیراً، بر مبنای کتاب *درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن* (نکونام ۱۳۸۰ ش)، به آن توجه شده است.

البته، ناگفته نماند که بهره‌بردن از روایت سیره و اسباب نزول برای تعیین زمان نزول آیات قرآن پیشینه‌ای طولانی دارد؛ به گونه‌ای که بسیاری از مفسران اسلامی و برخی قرآن‌شناسان غربی از این ابزارها برای تعیین زمان نزول آیات قرآن بهره گرفته‌اند. هم‌چنین، استفاده از رخداد‌های معروف و مُصرح در آیات، به‌ویژه در سوره‌های مدنی، الهام‌بخش بعضی محققان اسلامی و غربی در تعیین تاریخ نزول آیات بوده است. در مورد روایات ترتیب نزول، محققان غربی به آن‌ها چندان اعتمادی نداشته‌اند، ولی مفسران مسلمانی که از حدود یک قرن پیش، به تفسیر قرآن به ترتیب نزول روی آورده‌اند، مبنای ترتیب منتخب خود را بر این روایات گذاشته‌اند.

خاورشناسانی که از قرن نوزدهم میلادی به تاریخ‌گذاری قرآن پرداخته‌اند، اغلب سبک و اسلوب سوره‌ها در دوره‌های مختلف دعوت نبوی را مبنا گرفته‌اند و بیش‌تر آنان، سوره‌های قرآن را در چند گروه زمانی مربوط به مکه و مدینه طبقه‌بندی کرده‌اند. از میان آنان، ویل (Weil) و پیروان روش او، یعنی نولدکه (Noldeke)، شوالی (Schwally)، رودول (Rodwell)، گریم (Grimme)، و بلاشر (Blachere) براساس معیارهایی چون اشارات قرآن به حوادث تاریخ‌دار، سبک و اسلوب سوره‌ها در دوره‌های رسالت و مضامین سوره‌ها، البته با تفاوت‌هایی در روش، به تاریخ‌گذاری قرآن پرداخته‌اند. مویر (Muir) و بل (Bell) نیز سوره‌ها را در گروه‌های زمانی دسته‌بندی کردند، ولی نه با معیارهای ویل، بلکه مویر با تکیه بر روایات سیره و بل براساس روایات اسباب نزول و مکی و مدنی کار خود را سامان دادند. گذشته از دو محقق اخیر، بیش‌تر پژوهش‌گران غربی به روایات، از جمله روایات ترتیب نزول و سیره و اسباب نزول، جز در مواردی که با آیات قرآن تأیید شوند، بی‌اعتماد بوده‌اند (برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به نکونام ۱۳۸۰ ش: ۱۰-۲۳).

دانشمندان اسلامی، در طی قرن‌ها، در کتاب‌های علوم قرآنی و تفسیری به ذکر تاریخ نزول سوره‌ها و آیات، با بهره‌گیری از روایات ترتیب نزول و سیره و اسباب نزول و مکی و مدنی، پرداخته‌اند تا این‌که از یک قرن گذشته به این سو، توجه دانشمندان اسلامی به تحقیقات مستقل درباره تاریخ‌گذاری قرآن و تفسیر به ترتیب نزول جلب شد. در این زمینه، خلاصه مهم‌ترین پژوهش‌های مسلمانان، از حدود یک‌صدسال قبل به این سو، از این قرار است:

۱. ملاحویش آل‌غازی در تفسیر بیان المعانی (به ترتیب نزول) به سال ۱۳۵۵ ق؛ وی از ترتیب روایی سوره‌ها بهره گرفت و در کنار آن، در بعضی موارد، به ذکر و نقد و بررسی روایات سیره و اسباب نزول و مکی و مدنی و ناسخ و منسوخ آن‌ها پرداخت (برای توضیح پیش‌تر، بنگرید به همان: ۲۵-۲۸).
  ۲. محمد عزة دروزه در کتاب التفسیر الحدیث؛ ترتیب السور حسب النزول به سال ۱۳۸۰ ق و پس از آن، سیرة الرسول؛ وی ترتیب روایی را اصل گرفته و در ترتیب بعضی سوره‌ها تغییراتی داده است. تغییرات وی براساس برخی روایات ترتیب نزول و سیره و رخدادهای مصرح در سوره‌ها و سبک آن‌ها بوده است (برای مشاهده برخی تغییرات، بنگرید به همان: ۲۸-۳۶).
  ۳. مهدی بازرگان در سیر تحول قرآن به سال ۱۳۵۵ ش روشی ریاضی-آماری برای تاریخ‌گذاری قرآن ابداع کرد که بر اصل افزایش طول متوسط آیات از آغاز تا پایان دوران نزول وحی استوار است. البته، در بعضی موارد از روایات و رخدادهای مصرح در آیات نیز برای اصلاح روش خود بهره گرفته است (در این باره، بنگرید به بازرگان ۱۳۸۵ ش: ج ۱، ۱۳-۱۴، ۱۲۸-۱۳۱).
  ۴. جلال‌الدین فارسی در کتاب‌های پیامبری و انقلاب (۱۳۶۷ ش)، پیامبری و جهاد (۱۳۶۲ ش)، پیامبری و حکومت (۱۳۶۴ ش) او در این سه کتاب ترتیب روایی را اصل گرفته، ولی تغییراتی بر مبنای روایات و رخدادهای مصرح در آیات در ترتیب نزول داده است (برای آگاهی پیش‌تر، بنگرید به نکونام ۱۳۸۰ ش: ۳۸-۴۱).
  ۵. محمد عابد جابری در کتاب فهم القرآن الکریم: التفسیر الواضح حسب ترتیب النزول به سال ۲۰۰۸ م؛ مؤلف در این کتاب سیر نزول قرآن را بر سیر تبلیغ پیامبر منطبق کرده است. او نیز در مورد ترتیب نزول سوره‌ها اصل را بر روایات ترتیب نزول قرار داده، ولی به آن‌ها اکتفا نکرده و نوعی تصحیح و اجتهاد در این زمینه به کار برده است (در این باره، بنگرید به جابری ۲۰۰۸ م: ج ۱، مقدمه).
- در بخش تعیین شمار آیات برائت، تعداد آیات ابلاغ‌شده در موسم حج سال نهم هجری، بر طبق اختلاف روایات، ۱۰ و ۳۰ و ۴۰ آیه نقل شده است (بنگرید به ۴. محدوده آیات برائت در همین مقاله) و دانشمندان متقدم همین روایات را در تفسیرها و کتاب‌های خود نقل کرده‌اند. در میان قرآن‌پژوهان متأخر، بلاشهر، بازرگان، و جابری در مورد تعداد آیات برائت اظهار نظر کرده‌اند و آن را ۳۷ آیه از آغاز سوره دانسته‌اند (بازرگان ۱۳۸۵ ش: ج ۱، ۷۸؛ جابری ۲۰۰۸ م: ج ۳، ۳۹۰).

در بخش تاریخ‌گذاری آیات برائت، در منابع تاریخی و تفسیری روایاتی نقل شده که نزول آیات برائت را شوال سال نهم هجری و ابلاغ آن آیات را در روز نهم یا دهم ذی‌حجه همان سال دانسته‌اند و دانشمندان متقدم آن‌ها را نقل کرده‌اند. فقط برخی دانشمندان متقدم، مانند مقاتل بن سلیمان، براساس برخی روایات اسباب نزول، به نزول برخی آیات ابتدایی سوره «توبه» (آیات ۱۲ تا ۱۵)، پیش از فتح مکه در سال هشتم هجری نظر داده‌اند. از میان متأخران، دروزه در کتاب *سیرة الرسول*، برخلاف تفسیرش، نظری چون مقاتل بن سلیمان در مورد آیات یادشده دارد که در بخش‌های بعدی این مقاله گزارش این روایات و اقوال خواهد آمد.

از میان خاورشناسان، بلاشر (Regis Blachere) آیات ۱ تا ۳۷ سوره «توبه» را، با عنوان «اعلامیه علیه مشرکان»، نازل شده در سال هشتم هجری پس از فتح مکه دانسته و بقیه سوره را به سال نهم هجری تاریخ‌گذاری کرده است (بازرگان ۱۳۸۵ ش: ج ۱، ۷۸). در پژوهش‌های محققان غربی، جز پژوهش بلاشر، چیزی در مورد آیات برائت یافت نشد. آن‌ها فهرست‌هایی را از ترتیب نزول سوره‌ها ارائه داده‌اند. برای مثال، سوره «توبه» در ترتیب مویر سوره ۱۱۴، در ترتیب نولدکه ۱۱۳، در ترتیب گریم ۱۱۴، و در ترتیب بلاشر ۱۱۳ است (رامیار ۱۳۸۷ ش: ۶۷۱). بازرگان نیز، به پیروی از بلاشر، همان تاریخ نزول را برای آیات برائت در نظر گرفته است (بازرگان ۱۳۸۵ ش: ج ۱، ۷۸).

### ۳. روش تحقیق

تاریخ‌گذاری آیات در این تحقیق با بهره‌گیری از سه عامل یا ابزار و برپایه ویژه‌ای به‌انجام رسیده است. عامل نخست عبارت است از تصریح یا اشاره قوی در متن آیات به رخدادی که زمان وقوع آن، در منابع روایی و تاریخی، بدون اختلاف ذکر شده باشد؛ مانند رخداد جنگ حنین که در آیه ۲۵ سوره «توبه» بدان تصریح شده و زمان وقوع آن شوال سال هشتم هجری بعد از فتح مکه بوده است. بنابراین، این آیه پس از آن غزوه باید نازل شده باشد، نه پیش از آن. این عامل تحلیلی به‌مثابه ابزاری قوی و مطمئن در تاریخ‌گذاری آیات مدنظر قرار می‌گیرد.

عامل دوم، استفاده از معیارهای لفظی و محتوایی آیات، به‌منظور تعیین دسته آیاتی است که به‌هم پیوسته‌اند و باهم نازل شده‌اند. در این تحقیق، هریک از این دسته آیات یک فقره نامیده می‌شود. استفاده از این عامل بر مبنای عرفی بودن زبان قرآن استوار است؛ بر این

اساس، آیاتی که با یک‌دیگر در لفظ یا در معنا پیوند داشته باشند، باهم نازل شده‌اند (برای نمونه، بنگرید به نکونام ۱۳۸۰ ش: ۵۷-۶۷). با بهره‌گیری از این عامل، چنان‌چه مشخص شود که تعدادی از آیات یک فقره را تشکیل می‌دهند و یکی از آیات آن فقره با عاملی مانند عامل نخست تاریخ‌گذاری شود، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که تاریخ نزول سراسر آن فقره با تاریخ نزول آن یک آیه یک‌سان است. برای مثال، چنان‌که خواهد آمد، آیات ۱ تا ۱۶ سوره «توبه» یک فقره را تشکیل می‌دهند. بنابراین، چنان‌چه تاریخ نزول هر یک از آیات این فقره تعیین شود، این تاریخ برای همه‌شانزده آیه معتبر خواهد بود. این عامل نیز در برآورد محدوده آیات باهم نازل‌شده و ارزیابی زمان نزول برخی آیات و تعیین تعداد واحدهای نزول یک سوره از اطمینان درخور توجهی برخوردار است.

عامل سوم، بهره‌گیری از روایات سیره و اسباب نزول و روایات ترتیب نزول است. این ابزار هنگامی که به رخداد ویژه‌ای در آیات تصریح یا اشاره نشده باشد، کاربرد بیش‌تری خواهد داشت. نظر به این‌که در طی تاریخ محتوای روایات مذکور در بسیاری موارد در معرض ضعف و نقصان و تعارض قرار گرفته‌اند، این عامل فقط به‌مثابه ابزاری کمکی استفاده می‌شود و تا آن‌جا که با محتوای آیات و محدوده فقرات تعیین‌شده و به‌ویژه تاریخ رخدادهای مُصرَح در آیات متنافی نباشند، برای تاریخ‌گذاری آیات به‌کار می‌رود.

مبنای ویژه‌ای که این روش بر پایه آن استوار است، توقیفی‌بودن ترتیب نزول آیات است. درباره ترتیب آیات سوره‌ها سه دیدگاه مطرح است. اول، دیدگاه معروف توقیفی‌بودن چنینش آیات است. براساس این دیدگاه، ترتیب قرارگرفتن آیات سوره‌ها به‌فرمان رسول خدا (ص) و توقیف وی انجام گرفته که در بسیاری از موارد، مخالف ترتیب نزول آیات بوده و موجب قرارگرفتن آیات مدنی در سوره‌های مکی و آیات مکی در سوره‌های مدنی شده است (برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به سیوطی، ۱۴۱۶ ق: ج ۱، ۲۱۴-۲۲۰). دوم، دیدگاه اجتهادی‌بودن چنینش آیات است و براساس این دیدگاه، ترتیب قرارگرفتن آیات سوره‌ها، بعضی نه براساس فرمان پیامبر (ص) که با اجتهاد صحابه صورت گرفته است (مجلسی ۱۴۰۳ ق: ج ۸۹، ۶۷). دیدگاه سوم، توقیفی‌بودن ترتیب نزول در چنینش آیات سوره‌هاست و براساس این دیدگاه، توقیف رسول خدا (ص) به ترتیب نزول آیات تعلق گرفته است. به این معنا که چنینش آیات درون سوره‌ها به ترتیب نزول آن‌ها به‌انجام رسیده است (برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به طباطبایی ۱۴۱۷ ق: ج ۱۲، ۱۲۸؛ عاملی ۱۴۱۳ ق: ۱۴۳-۱۴۴؛ معرفت ۱۴۱۵ ق: ج ۱، ۲۸۰؛ نکونام ۱۳۷۸ ش: ۲۲).

در این پژوهش، با فرض پذیرفتن دیدگاه سوم، یعنی این که آیات در سوره‌های به تدریج نزول شده برطبق ترتیب نزول آن‌ها جای گذاری می شده، به تاریخ گذاری آیات برائت اهتمام شده است. بر این اساس، چون در سوره «توبه» آیات برائت قبل از آیات مربوط به جنگ تبوک قرار دارند، بنابراین قبل از آن‌ها نازل شده‌اند، درحالی که برطبق دیدگاه مشهور توقیفی بودن ترتیب آیات، آیات برائت پس از آیات مربوط به جنگ تبوک نزول یافته‌اند. درعین حال، در این مقاله از دیدگاه مشهور غفلت نشده و به بررسی آن پرداخته شده است. تاریخ گذاری آیات بر این مبنا و علاوه بر آن استفاده از معیارهای لفظی و محتوایی آیات، به منظور تعیین فقرات آیات با هم نازل شده، ویژگی این تحلیل روش مند است که جنبه نوآوری آن نیز به شمار می رود.

#### ۴. محدوده آیات برائت

به اعتبار بیش تر روایات ترتیب نزول، سوره برائت آخرین سوره‌ای است که نازل شد (برای نمونه، بنگرید به طبرسی ۱۳۷۲ ش: ج ۱۰، ۶۱۲-۶۱۳؛ ابن ندیم ۱۳۵۰ ش: ۲۸؛ سیوطی ۱۴۱۶ ق: ج ۱، ۳۸-۳۹؛ المبانی ۱۳۷۵ ق: ۱۳-۱۶؛ برای جدول مقایسه روایات ترتیب نزول، بنگرید به رامیار ۱۳۸۷ ش: ۶۷۱).

با نگاهی به سیاق آیات سوره، دانسته می شود که می توان سوره را به دو بخش اصلی و هر بخش اصلی را به بخش های فرعی تقسیم کرد. نخستین بخش اصلی سوره از آغاز تا آیه ۲۸ را در بر می گیرد. این بخش درباره برائت از مشرکان پیمان شکن و امر به جهاد و قتال با آنان و اعلام ممنوعیت ورودشان به مسجدالحرام، از سال بعد، است.

بخش دوم، که از آیه ۲۹ تا انتهای سوره را در بر می گیرد، بیش تر درباره حوادث غزوه تبوک و بیان منویات منافقان و انتقاد از عملکرد ایشان در آن ایام و توضیح چگونگی معامله پیامبر (ص) و مؤمنان با آنان است. چنان که از سیاق این بخش از سوره برمی آید، این آیات بایستی هم زمان با غزوه تبوک، یعنی از رجب تا رمضان سال نهم هجری، نازل شده باشند.

در مورد تعداد آیات قرائت شده توسط علی (ع) در مراسم حج، طبرسی دو قول آورده است. نخست این که تعداد آن‌ها ده آیه بوده و قول دوم این که سی آیه بوده است (طبرسی ۱۳۷۲ ش: ج ۵، ۶-۷). طبری، شمار این آیات را سی یا چهل آیه از ابتدای سوره دانسته است (طبری ۱۳۸۷ ق: ج ۳، ۱۲۳). فخر رازی، از قول ابن مجاهد، تعداد سیزده آیه را نیز آورده است (به نقل از ابن مجاهد، فخر رازی ۱۴۲۰ ق: ج ۱۵، ۵۲۳).



برای تعیین محدوده و تعداد واحدهای نزول، نمی‌توان تنها به روایات اکتفا کرد، بلکه ضروری است تا آن روایات با ظاهر آیات سازگاری داشته باشد. به همین رو، باید معیارهای درون‌متنی را مدنظر داشت. در ادامه، براساس معیارهای لفظی و معنوی آیات، این موضوع بررسی خواهد شد.

#### ۱.۴ آیات ۱ تا ۱۶

فقره اول از آیات براءت ۱۶ آیه دارد که به لحاظ لفظی و معنایی پیوسته به نظر می‌رسند، زیرا نخستین آیه از این فقره، با مضمون اعلام براءت خدا و رسول (ص) از مشرکان دارای عهد، سرآغاز آیات براءت است. آیه دوم با «فا»ی سببیه آغاز شده و به مشرکان مذکور در آیه پیشین خطاب کرده و چهار ماه به آنان فرصت می‌دهد. بنابراین، آیه دوم هم از نظر لفظی و هم معنایی با آیه نخست در ارتباط است. آیه سوم با واو آغاز شده و بنابراین نمی‌تواند آغاز یک واحد نزول باشد. از سوی دیگر، این آیه با آیه پیشین از نظر معنایی در ارتباط است، زیرا براءت از مشرکان را به مردم حاضر در مراسم حج اعلام می‌کند. آیه چهارم با حرف استثنای «الّا» آغاز شده و مشرکان دارای عهدی را که بر عهد خود وفادار بوده‌اند، از حکم براءت مبرا می‌کند. بنابراین، این آیه از هر دو منظر لفظی و معنایی به آیات قبل پیوسته است. پیوند آیه پنجم نیز به آیات پیشین مشهود است، زیرا با «فا»ی سببیه آغاز شده و به قتال با مشرکان پس از پایان ماه‌های حرام، امر می‌کند. آیه ششم با «واو» آغاز شده است و در آن آمده است که چنانچه یکی از مشرکان برای شنیدن کلام خدا، امان طلب کرد، به وی امان دهید تا کلام خدا را بشنود. بنابراین، این آیه نیز به لحاظ لفظی نمی‌تواند سرآغاز یک واحد نزول باشد و از نظر معنایی نیز با آیه قبل مرتبط است.

آیه هفتم از نظر محتوایی با آیات قبل پیوند دارد، زیرا در صدد توضیح و تعلیل شکستن پیمان و براءت از مشرکان است و باری دیگر مشرکانی را که بر پیمان خود وفادار مانده بودند، از این براءت مبرا می‌کند.

محتوای آیات هشتم و نهم و دهم در ادامه آیه هفتم آمده است و از نظر لفظی هر سه آیه ضمایی دارند که مرجع آن‌ها مشرکان مذکور در آیه هفتم است. آیه یازدهم، علاوه بر این که با «فا»ی سببیه آغاز شده، ضمیری دارد که مرجع آن نیز مشرکان مذکور در آیه هفتم است. آیه دوازدهم با «واو» آغاز شده و دارای ضمایی مشابه آیات پیشین است.

آیه سیزدهم از نظر محتوایی ارتباط وثیقی با آیه پیشین دارد، زیرا پس از امر به قتال با مشرکان پیمان شکن مذکور در آیه دوازدهم، با استفهام توییخی، مؤمنان را به جنگ با مشرکان تحریض می کند. آیه چهاردهم از نظر معنایی در ادامه آیه قبل است و علاوه بر آن، حاوی ضمیری است که مرجع آن‌ها در آیه پیشین است. آیه پانزدهم با «واو» آغاز شده و ارتباط آن با آیه قبل روشن است.

آیه شانزدهم از نظر لفظی می تواند مستقل باشد، ولی از نظر معنایی، با توجه به این که درباره امتحان مؤمنان با جهاد از سوی خداوند است، در ادامه آیات قبلی ارزیابی می شود که موضوعشان انگیزاندن مؤمنان برای جنگ با مشرکان پیمان شکن بود. علامه طباطبایی این شانزده آیه را با هم تفسیر کرده و ارتباط آن‌ها را با آیات بعد چندان ندانسته است (طباطبایی ۱۴۱۷ ق: ج ۹، ۱۹۹).

#### ۲.۴ آیات ۱۷ تا ۲۲

دومین فقره از آیات برائت آیات ۱۷ تا ۲۲ است. از آیه هفدهم موضوع سخن تغییر می یابد. به لحاظ لفظی این آیه واجد صلاحیت آغاز کلام است. این آیه تا آیه ۲۲، در صدد بیان این است که فقط مؤمنان بر عمارت مسجد الحرام شایسته اند، نه مشرکان و این که سقایت حاجیان و عمارت مسجد الحرام، که تا زمان نزول آیه در کف مشرکان بود، هرگز در ارزش هم سنگ ایمان و جهاد در راه خدا نیست. به نظر می رسد که این آیات تمهیدی باشند برای آیه ۲۸ که ورود مشرکان به مسجد الحرام را، از سال بعد به کلی ممنوع اعلام می کند. ارتباط محتوایی این شش آیه با یکدیگر روشن است و علاوه بر آن، می توان به موارد پیوستگی لفظی نیز اشاره کرد؛ از جمله آمدن دو فعل و یک مصدر از ریشه «ع - م - ر» در سه آیه ۱۷ و ۱۸ و ۱۹، مرجع ضمیر آیه ۲۱ در آیه ۲۰ است و عبارت «خالدین فیها ابداء» در آیه ۲۲، از نظر نحوی حال و از نظر ضمیر هم در آیه ۲۱ است.

#### ۳.۴ آیات ۲۳ و ۲۴

سومین فقره از آیات برائت آیات ۲۳ و ۲۴ است. این آیات در صددند تا بیان کنند که مؤمنان نباید خویشان کافر خود را به دوستی و یاری برگزینند و نیز نباید خویشان دارایی های خود را بیش از خدا و رسول و جهاد در راه او دوست بدارند. پیوستگی معنایی این دو آیه به یکدیگر روشن است و به منزله آسیب شناسی جهاد با کافران، که در آیات پیشین مطرح شد، ارزیابی می شوند.

#### ۴.۴ آیات ۲۵ تا ۲۷

چهارمین فقره از آیات براءت آیات ۲۵ تا ۲۷ است. این سه آیه در مورد ذکر یاری خدا از مؤمنان در طی جنگ حنین است که در سال هشتم هجری، پس از فتح مکه، رخ داده بود (ابن هشام بی تا: ج ۲، ۴۳۷). باتوجه به این که این آیات در مقام اخبار از یک رویداد تاریخی با زمان معین است، باید پس از آن واقعه نازل شده باشند. این آیات به منزله تشویق و تحریض به جنگ و جهاد، که در آیات بخش فرعی نخست به آن فرمان داده شد، تلقی می‌شوند. پیوستگی محتوایی آیات به هم معلوم است و از نظر لفظی نیز آیات ۲۶ و ۲۷ با حرف «ثم» به آیه ۲۵ وابسته شده‌اند.

#### ۵.۴ آیه ۲۸

پنجمین و آخرین فقره از آیات براءت آیه ۲۸ است. این آیه که در پایان بخش اصلی نخست سوره «توبه» قرار دارد، در بیان اعلام ممنوعیت ورود مشرکان به مسجدالحرام از سال بعد و وعده بی‌نیازسازی مالی مؤمنان از مشرکان است.

بر طبق آنچه گذشت، این بخش از سوره به پنج بخش فرعی (فقره) تقسیم‌شدنی است که هر یک از آنها، در نگاه نخست، صلاحیت آن را دارند که یک واحد نزول تلقی شوند، اما باتوجه به نکات زیر، چنین می‌نماید که همه این ۲۸ آیه می‌توانند یک واحد نزول را تشکیل دهند.

نخست، این ۲۸ آیه به لحاظ موضوعی متحدند و همگی دربارهٔ مقابله با مشرکان‌اند. پس، این احتمال را تقویت می‌کند که بخش‌های پنج‌گانه یک‌جا نازل شده باشند؛ دوم، روایاتی که از طبری و طبرسی در مورد تعداد آیات ابلاغ‌شده در مراسم حج سال نهم هجری نقل شد، شمار آیات براءت را در حدود ۳۰ آیه دانسته‌اند. چنانچه این تعداد را دقیق بدانیم و پایان آیات براءت را آیه ۳۰ در نظر بگیریم، با بررسی آیه ۳۱ دریافته می‌شود که در آن ضمائری به کار رفته است که مرجع آنها در آیه ۳۰ قرار دارد. بنابراین، آیه ۳۱ را نمی‌توان آغاز کلام و آیه ۳۰ را پایان یک کلام مستقل دانست. پس، این احتمال تقویت می‌شود که عدد ۳۰ در روایات مذکور تقریبی ذکر شده و شمار دقیق آیات همان ۲۸ است. از سویی، از آیه ۲۹ به بعد، موضوع سخن به کلی تغییر می‌کند و آیات دربارهٔ جنگ با اهل کتاب و ذکر ردائل آنان است که به منزله درآمدی بر آیات مربوط به غزوه تبوک تلقی می‌شوند. محمد عزة دروزه نیز، با استدلالی مشابه، این احتمال را که این بخش ۲۸ آیه باشد، بیش‌تر می‌داند (دروزه ۱۳۸۳ ق: ج ۹، ۳۴۵).

سوم، در چند روایات منابع تاریخی و تفسیری آمده است که از جمله نکاتی که توسط علی (ع) در مراسم حج ابلاغ شد، این بود که مشرکان از سال بعد نباید به مسجد الحرام نزدیک شوند (برای نمونه، بنگرید به ابن هشام بی تا: ج ۲، ۵۴۵؛ ابن سعد ۱۴۱۰ ق: ج ۲، ۱۲۸؛ واقدی ۱۴۰۹ ق: ج ۳، ۱۰۷۸؛ قمی ۱۳۶۳ ش: ج ۱، ۲۸۲؛ طبری ۱۴۱۲ ق: ج ۱۰، ۵۳؛ طبرسی ۱۳۷۲ ش: ج ۵، ۷). این موضوع به دقت محتوای آیه ۲۸ است. بنابراین، به نظر می‌رسد که آن چه در آن روز آیات برائت ابلاغ شده، همان ۲۸ آیه نخست سوره باشد.

گفتنی است که احتمال نزول یک‌جای ۲۸ آیه برائت در صورتی است که نزول آیات در سال نهم هجری باشد، اما اگر نزول آیات در سال هشتم هجری و چهار ماه پیش از پایان ماه‌های حرام دانسته شود، این ۲۸ آیه دست‌کم دو واحد نزول باید باشد؛ آیات ۱ تا ۲۴ نازل شده پیش از جنگ حنین و آیات ۲۵ تا ۲۸ نازل شده پس از آن.

محمد عابد جابری، براساس روایاتی که تعداد آیات برائت را چهل آیه ذکر کرده‌اند، تعداد این آیات را ۳۷ آیه نخست سوره، در مصحف کنونی، می‌داند (جابری ۲۰۰۸ م: ج ۳، ۳۹۰). باتوجه به آن چه گذشت، این رأی صحیح به نظر نمی‌رسد.

## ۵. شاخص‌های تاریخ‌گذاری در آیات برائت

برخی از تعابیر مندرج در آیات برائت که بررسی آن‌ها می‌تواند به تاریخ‌گذاری این آیات مدد رساند، عبارت‌اند از «الذین عاهدتم من المشرکین»، «أربعة اشهر»، «يوم الحج الاکبر»، «المشرکین»، «الأشهر الحرم»، «أئمة الکفر»، «يوم حنین»، و «عامهم هذا».

توضیح این‌که، پس از تعیین فقرات آیات برائت در بخش پیشین، نتیجه یکی از سه عامل یا ابزار تاریخ‌گذاری یادشده در روش تحقیق به دست آمد. اکنون، باید با بررسی آیات حاوی عبارات شاخص فوق و استفاده از متون تاریخی و تفسیری، دو عامل دیگر نیز به کار گرفته شوند؛ یعنی نخست بررسی شود که آیا در این آیات به رخدادی با زمان معین تصریح شده است. دوم، روایات سیره و اسباب نزول تا چه حد می‌توانند به تاریخ‌گذاری این آیات مدد رسانند؟

در ادامه، ذیل هریک از عبارات شاخص، موارد مذکور بررسی خواهند شد. سپس، در بخش بعدی، با استفاده از نتایج این بخش، سه احتمال مطرح در بخش بیان مسئله درمورد تاریخ‌گذاری آیات برائت ارزیابی خواهد شد.

## ۱.۵ الذین عاهدتم من المشركين

این تعبیر در آیه نخست سوره «توبه» آمده است. باتوجه‌به این‌که پیامبر (ص) در سال هشتم هجری در پی پیمان‌شکنی قریش عازم فتح مکه بود، بدیهی است که تعبیر «الذین عاهدتم من المشركين» به قریش به‌کنار می‌رود. به این ترتیب، در طی آیات نخست سوره «توبه» اظهار شده است که از آنان اعلان براءت کنید و با آنان مقاتله کنید، مگر آنان که پیمان را نشکستند. پیمان آنان را تا پایان مدتشان پاس دارید. در طی همین آیات نخست، به پیمانی اشاره شده است که در مکه بسته شده و این چیزی جز همان پیمان صلح حدیبیه نبوده است که میان پیامبر (ص)، قریش، قبایل بنی‌بکر، خزاعه، بنی‌مدلج، و بنی‌خزیمه بسته شد که قریش و بعضی بنی‌بکر آن پیمان را شکستند، اما سه قبیله دیگر آن را پاس داشتند (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به مقاتل بن سلیمان ۱۴۲۳ ق: ج ۲، ۱۵۶؛ طبری ۱۴۱۲ ق: ج ۱۰، ۵۸-۵۹؛ سیوطی ۱۴۰۴ ق: ج ۳، ۲۰۹؛ واقدی ۱۳۶۹ ش: ۴۶۵-۴۶۶؛ ابن‌هشام بی‌تا: ج ۲، ۳۱۸).

از قتاده و ابن‌زید روایت شده است که مردم مکه این چنین پیمان صلح حدیبیه را شکستند که قبیله بنی‌بکر را علیه خزاعه یاری کردند و به همین علت، رسول خدا (ص) پس از فتح مکه چهارماه بدان‌ها مهلت داد که یکی از این دو را انجام دهند؛ یا اسلام را بپذیرند یا به هر جا که می‌خواهند بروند. مردم مکه، پیش از انقضای چهارماه، اسلام را پذیرفتند. قبایلی را که به پیمان حدیبیه درآمدند، قبیله‌های بنی‌بکر بنی‌خزیمه و بنی‌مدلج و بنی‌ضمیره و بنی‌دئل دانسته‌اند تا روزی که میان رسول خدا (ص) و قریش تعیین شده بود و کسانی که این پیمان را نقض کردند، قریش و بنی‌دئل بودند که خدا فرمان داد تا به پیمان خود با آن دسته از مشرکان پایدار باشید که آن را نشکسته‌اند. این قول از نظر طبرسی به درستی نزدیک‌تر است، زیرا این آیات پس از پیمان‌شکنی قریش و فتح مکه نازل شده است (طبرسی ۱۳۶۰ ش: ج ۱۱، ۲۵).

چنان‌که آورده‌اند، قرارداد صلح حدیبیه ده سال بود (واقدی ۱۳۶۹ ش: ۴۶۵). باتوجه‌به این‌که در زمان فتح مکه از زمان صلح حدیبیه در حدود دو سال سپری شده بود، تا پایان مدت قرارداد هشت سال دیگر باقی مانده بود. بنابراین، نظر کسانی که گفته‌اند در زمان نزول آیات، چهار ماه از مدت پیمان مانده بود و خداوند همان چهار ماه را به ایشان مهلت داد (سیوطی ۱۴۰۴ ق: ج ۳، ۲۱۲)، موجه به نظر نمی‌رسد.

چنان می‌نماید که براءت و نقض عهد در آیات ۱ و ۲ در مورد مشرکان عهدشکن است و نه همه مشرکان، زیرا در آیات ۴ و ۷ آمده است که مشرکان وفادار به عهد را از

اینان مبرا کرده است (دروزه ۱۳۸۳ ق: ج ۹، ۳۴۲-۳۴۳؛ طبری ۱۴۱۲ ق: ج ۱۰، ۴۵؛ آل‌غازی ۱۳۸۲ ق: ج ۶، ۴۰۹).

با جمع‌بندی آرا، می‌توان گفت منظور از «الذین عاهدتم من المشركين» در این آیات، قبایلی بودند که در حدیبیه با رسول خدا (ص) پیمان بسته بودند. عبارت «الا الذین عاهدتم عند المسجد الحرام» در آیه هفتم نیز مؤید آن است که منظور از عهد در این آیات پیمان حدیبیه است. چنانچه نزول آیات در سال هشتم هجری و در ایام فتح دانسته شود، منظور از آن عبارت قریش و بنی‌بکر خواهند بود و منظور از «الذین عاهدتم من المشركين ثم لم ينقصوكم شیئا» دیگر قبایل هم‌پیمان با مشرکان و مسلمانان بوده‌اند.

## ۲.۵ أربعة اشهر

این‌که مراد از «أربعة اشهر» چه ماه‌هایی بوده است، چندین قول در منابع آمده است؛ قولی این است که مراد از آن شوال، ذی‌قعدة، ذی‌حجه، و محرم است، مبنی‌بر این‌که آیات برائت در شوال نازل شده باشد (بنگرید به طوسی بی‌تا: ج ۵، ۱۶۹؛ طبری ۱۴۱۲ ق: ج ۱۰، ۴۳؛ آلوسی ۱۴۱۵ ق: ج ۵، ۲۳۹؛ دروزه ۱۳۸۳ ق: ج ۹، ۳۵۱). براساس این قول، انسلاخ ماه‌های حرام (در این باره، بنگرید به توبه: ۵)، با انقضای مهلت چهار ماه انطباق پیدا می‌کند.

قول دوم، این است که مراد دهم ذی‌حجه، که اعلان برائت شد، تا دهم ربیع‌الثانی باشد (بنگرید به مقاتل بن سلیمان ۱۴۲۳ ق: ج ۲، ۱۵۶؛ طبری ۱۳۸۷ ق: ج ۳، ۱۲۳؛ طبرسی ۱۳۷۲ ش: ج ۵، ۱۲؛ سیوطی ۱۴۰۴ ق: ج ۳، ۲۰۹). اما، این قول ضعیف به‌نظر می‌رسد، زیرا حرمت قتال در ماه‌های حرام بوده است و حرمت قتال در ماه‌های دیگر وجهی ندارد.

برطبق نظر مشهور، سالی که این مهلت چهارماهه داده شده، نهم هجری است، اما اگر نزول آیات در سال هشتم هجری و مقارن فتح مکه، رمضان هشتم هجری، دانسته شود، چهار ماه مذکور از اواخر رمضان سال هشتم هجری تا پایان محرم سال بعد خواهد بود. بدین ترتیب، قریش و بنی‌بکر که پیمان حدیبیه را نقض کردند، به‌مدت چهارماه، یعنی تا پایان ماه‌های حرام، مهلت یافتند که اسلام بیاورند، وگرنه با آنان مقاتله خواهد شد. اما مشرکان قریش با فتح مکه اسلام آوردند و مکه بدون هیچ‌گونه خون‌ریزی فتح شد و نوبت به مقاتله با آنان نرسید (ابن‌سعد ۱۴۱۰ ق: ج ۳، ۱۰۳-۱۰۴).

### ۳.۵ یوم الحج الاکبر

درباره معنای «یوم الحج الاکبر»، سه نقل آمده است. نقل اول این‌که مراد از آن روز عرفه است. این نقل از پیامبر (ص) و علی (ع) و عمر و سعید بن مسیب و عطا و طاووس و ابن مجاهد است (طبرسی ۱۳۷۲ ش: ج ۵، ۹؛ فخر رازی ۱۴۲۰ ق: ج ۱۵، ۵۲۵). نقل دوم، این‌که مراد روز قربانی است. این نقل از پیامبر (ص) و علی (ع) و ابن عباس و سعید بن جبیر و ابن زید و کمیل بن زیاد نخعی و ابن مجاهد و شعبی و ابومحمد اسماعیل، معروف به سدی، و امام صادق (ع) است (همان). نقل سوم آن‌که مراد از «یوم الحج الاکبر» همه ایام حج است. این نقل از ابن مجاهد و سفیان است که اگر چنین باشد، مانند «یوم الجمل» و «یوم صفین» خواهد بود که مراد از «یوم» در آن‌ها مدت و زمان است، زیرا هر جنگی چندین روز ادامه داشته است (همان؛ برای هر سه نقل، بنگرید به راغب اصفهانی ۱۴۱۲ ق: ۲۱۸-۲۱۹؛ ابن اثیر ۱۳۶۷ ش: ج ۴، ۱۴۱؛ ابن منظور ۱۴۱۴ ق: ج ۵، ۱۳۰؛ طریحی ۱۳۷۵ ش: ج ۲، ۲۸۵؛ ابن هشام بی‌تا: ج ۲، ۵۴۵؛ ابن سعد ۱۴۱۰ ق: ج ۲، ۱۲۷؛ واقدی ۱۴۰۹ ق: ج ۳، ۱۰۷۸؛ طبری ۱۳۸۷ ق: ج ۳، ۱۲۲-۱۲۳؛ ابن کثیر ۱۴۰۷ ق: ج ۵، ۳۸). نقل سوم راجح به نظر می‌رسد، زیرا چنان‌که عطا گفته است، حج اکبر درمقابل حج اصغر است که عمره به‌تنهایی است.

درباره مراد از «اکبر» در این تعبیر، دو قول رسیده است؛ اول، از عطاست که گفته است حج اکبر آن است که در آن وقوف باشد، درمقابل، حج اصغر که در آن وقوف نیست و آن عبارت از عمره است (طبرسی ۱۳۷۲ ش: ج ۵، ۹). دوم، از حسن بصری است که گفته است وجه تسمیه حج سال نهم هجری به حج اکبر آن بوده است که در آن، هم مشرکان و هم مسلمانان حج گزاردند، حال آن‌که پس از آن هیچ مشرکی حج نگزارد (همان). اما قول حسن بصری با ظاهر آیات سازگاری ندارد، زیرا ظاهر آیات چنان نشان می‌دهد که نزول این آیات قبل از ذی‌حجه واقع شده و هنوز حجی برگزار نشده بود تا آن‌که سبب حج گزاردن مسلمانان و مشرکان باهم «حج اکبر» نامیده بشود.

درباره سالی که در طی آن آیات برائت اشاره شده و در «یوم الحج الاکبر» اعلان برائت شده، نظر مشهور این است که سال نهم هجری بوده است، اما اگر نزول آیات برائت در سال هشتم هجری دانسته شود، باید گفت که در این آیات فقط آورده شده است که اعلان برائت در روز حج اکبر باشد و این اگرچه به سال هشتم هجری منصرف است، در این سال اتفاق نیفتاد. شاید به این علت که پیامبر (ص)، پس از فتح مکه، تا ایام حج در آن‌جا نماند و

در ذی‌قعدة به مدینه بازگشت. به‌همین‌رو، این امر تا ذی‌حجۀ سال نهم هجری به‌تعویق افتاد و امام علی (ع) برائت را در این سال اعلان کرد.

#### ۴.۵ الا شهر الحرم

درباره این‌که «الا شهر الحرم» کدام‌اند، اختلاف‌نظر است؛ قول اول این‌که مراد همان ماه‌های حرام، یعنی ذی‌قعدة، ذی‌حجه، محرم، و رجب، است که از آن سه ماه جداست (طبری ۱۴۱۲ ق: ج ۱۰، ۵۶؛ طبرسی ۱۳۷۲ ش: ج ۵، ۱۲). قول دوم این‌که مراد همان چهارماهی است که در طی آیه، قتال در آن حرام دانسته شده و به مشرکان فرصت داده شده است تا در آن‌ها با امنیت سفر کنند (همان؛ فخررازی ۱۴۲۰ ق: ج ۱۵، ۵۲۸؛ ملاحویش آل‌غازی ۱۳۸۲ ق: ج ۶، ۴۰۷).

قول اول راجح به‌نظر می‌رسد، زیرا با فرض این‌که آیات برائت در شوال و به‌سخن دقیق‌تر در اواسط رمضان نازل شده باشد، از این ماه تا پایان ماه‌های حرام، که آخر محرم باشد، چهار ماه می‌شود و بر همان چهار ماهی منطبق می‌شود که به مشرکان فرصت داده شده است. به‌رسم عرب هم، قتال در ماه‌های حرام ممنوع بوده است و گرنه تعیین چهارماه دلیلی ندارد. علامه طباطبایی نیز با همین نظر هم‌راه است. او مراد از «الا شهر الحرم» را بر همان «اربعه اشهر» انطباق می‌دهد (طباطبایی ۱۳۷۴ ش: ج ۹، ۲۰۳). محمد عزة دروزه نیز بر همین نظر است (دروزه ۱۳۸۳ ق: ج ۹، ۳۵۱).

به‌هرحال، به‌نظر می‌رسد که منظور از «الا شهر الحرم»، در آیه پنجم سوره «توبه»، همان ماه‌های حرام، یعنی ذی‌قعدة و ذی‌حجه و محرم، است که آخر محرم به پایان می‌رسید. در این صورت، چنان‌چه نزول آیات را در سال هشتم هجری بدانیم، باید تلقی کنیم که منظور از پایان ماه‌های حرام آخر محرم سال نهم هجری بوده است؛ یعنی قرار بر این بوده که مشرکان تا پایان محرم سال نهم هجری مهلت یابند، اما ابلاغ آیات در سال هشتم هجری به‌وقوع نیوست و تا سال بعد به‌تعویق افتاد.

#### ۵.۵ ائمة الکفر

این عبارت در آیه دوازدهم سوره «توبه» آمده است. در آیات پیش از آن، دلایل استحقاق مشرکان برای برائت و قتال بیان شده است و در این آیه به مؤمنان امر می‌کند که اگر مشرکان پیمان‌شکنی کردند و زبان به طعن در دیتان گشودند، با پیشوایان کفر بجنگید تا تمام کنند.



به‌نظر مقاتل بن سلیمان، آیات ۱۲ تا ۱۵ پیش از فتح مکه، بیستم رمضان سال هشتم هجری، و در جریان عهدشکنی مشرکان مکه در یاری بنی‌بکر علیه خزاعه، که مطابق عهدنامه حدیبیه هم‌پیمان رسول خدا (ص) بودند، و در پی آن، استمداد خزاعه از رسول خدا (ص) نازل شده است و منظور از پیشوایان کفر کفار قریش، از جمله ابوسفیان بن حرب و حارث بن هشام و سهیل بن عمرو و عکرمه بن ابی‌جهل، است (مقاتل بن سلیمان ۱۴۲۳ ق: ج ۲، ۱۵۹-۱۶۱؛ طوسی بی‌تا: ج ۵، ۱۸۳).

طبرسی از ابن‌عباس و قتاده نقل می‌کند که منظور همان رؤسا و بزرگان قریش، مانند حارث بن هشام و ابوسفیان بن حرب و عکرمه بن ابی‌جهل، است که پیمان‌شکنی کردند (طبرسی ۱۳۶۰ ش: ج ۱۱، ۳۰). سیوطی نیز مانند این را از قتاده نقل کرده است (سیوطی ۱۴۰۴ ق: ج ۳، ۲۱۴).

به‌نظر محمد عزة دروزه، سیاق این آیات بیان می‌کند که برخلاف آیات نخستین سوره «توبه»، پیش از فتح مکه نازل شده‌اند (دروزه بی‌تا: ج ۲، ۳۰۳)، ولی همو در تفسیرش، ذیل آیات ۱۲ و ۱۳ آورده که در چند روایت آمده که منظور از این آیات قریش است، درحالی‌که پیوند این آیات به قبیل قوی است و به احتمال زیاد، با آن‌ها یا پس از آن‌ها نازل شده است، نه پیش از آن‌ها و پیش از فتح مکه. بنابراین، ممکن است چنین باشد که برخی از قبایل بنی‌بکر که تا روز نزول آیات به پیمان حدیبیه وفادار بودند و آیه ۷ در مبرابردن آنان از برائت نازل شد، عهدشکنی و خیانت از ایشان ظاهر شده باشد و درست است که اوصاف موجود در آیه در وهله نخست مناسب قریش است، ولی چون آن قبایل با قریش هم‌پیمان بودند، این اوصاف به آنان نیز سرایت کرده است. از این رو، به‌نظر وی در تفسیرش، عبارت «ائمة الکفر» می‌تواند وصف همه مشرکان باشد، نه عده‌ای خاص از رهبران ایشان (دروزه ۱۳۸۳ ق: ج ۹، ۳۶۹-۳۷۲).

علامه طباطبایی، پس از نقل روایاتی که لازمه آن‌ها نزول این آیات پیش از فتح مکه است، ضمن نقد روایات نظر می‌دهد که این آیات به این دلایل نمی‌توانند پیش از آیات قبل از خود نازل شده باشند:

اولاً سیاق آیات، چنان‌که بسیار روشن است، طوری نیست که با نازل شدن با آیات قبلس و متصل بودن با آن‌ها نسازد و ثانیاً جملات ”نَكْتُوا اٰیْمَانَهُمْ وَ هَمُّوا بِاِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ بِدَوْكُمُ اَوَّلَ مَرَّةٍ“ که در آیه ۱۳ آمده است، هرچند به صفاتی اشاره دارد که مختص به قریش است، لیکن ممکن هم هست، اشاره به هم‌سوگندان قریش و

هم‌جواران ایشان که بعد از فتح مکه هم مسلمان نشدند بوده باشد، و چون متصل و متحد با قریش بودند، به اوصافی که قریش بالاصالة متصف بودند، موصوف شوند (طباطبایی ۱۳۷۴ ش: ج ۹، ۲۴۳-۲۴۵).

البته، چنان‌چه نزول آیات در سال هشتم هجری و پس از فتح مکه دانسته شود، عبارت «أئمة الکفر» می‌تواند به سران قریش فقط اشاره داشته باشد، زیرا براساس برخی روایات، چنان‌که پیش‌تر آمد، پس از فتح مکه، قریش چهار ماه مهلت یافتند که ایمان بیاورند و درغیراین‌صورت، جنگ میان آنان و مسلمانان حکم خواهد کرد.

### ۶.۵ یوم حنین

این عبارت در آیه ۲۵ سوره «توبه» آمده است. چنان‌که پیش‌تر بیان شد، آیات ۲۵ تا ۲۷ در ذکر یاری خدا از مؤمنان درطی جنگ حنین است. این جنگ در دهم شوال سال هشتم هجری، درحدود یک ماه پس از فتح مکه، رخ داد. به‌نظر می‌رسد که این آیه به‌هم‌راه آیات بعدی‌اش با فاصله زمانی از آیات قبل نازل شده است. این آیات پس از جنگ حنین، در شوال سال هشتم هجری، و آیات قبل از آن در فاصله حرکت پیامبر از مدینه، یعنی دهم یا سیزدهم رمضان سال هشتم هجری، تا فتح مکه، در بیستم رمضان همان سال، نازل شده است.

### ۷.۵ عامهم هذا

این عبارت در آیه ۲۸ سوره «توبه» آمده است. آیه دربردارنده اعلام ممنوعیت ورود مشرکان به مسجدالحرام از سال بعد است. چنان‌که پیش‌تر ذکر شد، اختلافی در این نیست که از نکات مهمی که در اعلان براءت از مشرکان در موسم حج سال نهم هجری ابلاغ شد، مبنی بر نزدیک‌نشدن مشرکان به مسجدالحرام بود.

مشهور این است که مراد از «عامهم هذا» سال نهم هجری است (مقاتل بن سلیمان ۱۴۲۳ ق: ج ۲، ۱۶۵-۱۶۶؛ طبری ۱۴۱۲ ق: ج ۱۰، ۷۵؛ سیوطی ۱۴۰۴ ق: ج ۳، ۲۲۶؛ دروزه ۱۳۸۳ ق: ج ۹، ۳۹۲؛ جابری ۲۰۰۸ م: ج ۳، ۳۹۰). برطبق این نظر مشهور، طی این آیه در ایام حج سال نهم هجری اعلان شد که مشرکان از سال بعد حق ورود به مکه و مسجدالحرام را ندارند، ولی چنان‌چه نزول آیات قبل از ایام حج سال هشتم هجری دانسته شود، مراد از عبارت «عامهم هذا» سال هشتم هجری خواهد بود؛ یعنی طی این آیه اظهار شده است که

مشركان از سال نهم هجری حق ورود به مکه و مسجدالحرام را نخواهند داشت، اما چنین اعلانی هرگز در ایام حج سال هشتم هجری اتفاق نیفتاد. بنابراین، با فرض این‌که این آیه در قبل از ایام حج سال هشتم هجری نازل شده باشد، باید گفت که اعلان این آیات در ایام حج یک سال به‌تعویق افتاد و در ایام حج سال نهم هجری امام علی (ع) آن را اعلان کرد.

## ۶. برآورد تاریخ نزول آیات براءت

بنابر آن‌چه آمد، سه گمانه دربارهٔ زمان نزول آیات براءت قابل طرح است که در ادامه به ارزیابی آن‌ها پرداخته می‌شود.

### ۱.۶ گمانهٔ نزول پیش از فتح مکه، سال هشتم هجری

نزول آیات براءت یا بخشی از آن آیات پیش از فتح مکه و قبل از آن‌که پیامبر (ص) از مدینه عازم فتح مکه شده باشد، بعید به‌نظر می‌رسد، زیرا در منابع تاریخی و روایی چنین آمده است که تدارک لشکر توسط رسول خدا (ص) در مدینه و حرکت به‌سمت مکه برای فتح آن کاملاً مخفیانه و با استفاده از اصل غافل‌گیری به‌انجام رسیده است و حتی پیامبر برای انحراف اذهان دشمن سربهای به یکی از نواحی گسیل داشت (ابن‌هشام بی‌تا: ج ۲، ۳۹۷؛ ابن‌سعد ۱۴۱۰ ق: ج ۲، ۱۰۲؛ واقدی ۱۴۰۹ ق: ج ۲، ۷۸۰-۸۰۰). بنابر این واقعیت تاریخی، اعلان براءت از مشركان عهدشکن و چهار ماه مهلت‌دادن به آنان، که آیات براءت حاوی آن است، نمی‌توانسته پیش از فتح مکه و قبل از خروج پیامبر (ص) از مدینه به‌سوی مکه انجام گرفته باشد. پیداست که اساساً مهلت‌دادن برای آن است که طرف مقابل غافل‌گیر نشود؛ یعنی فرصت کافی داشته باشد که یا تسلیم شود یا به گوشه‌ای بگریزد یا خود را برای جنگ آماده کند. از این‌رو، نمی‌توان گفت که آیات براءت قبل از فتح مکه نازل شده باشد. از سوی دیگر، اگر قبل از فتح مکه به قریش مهلت داده شده بود، همه می‌دانستند که لشکرکشی به‌سمت مکه خواهد بود، درحالی‌که منابع تاریخی اتفاق دارند که تا لحظات آخر هیچ‌کس نمی‌دانست که مقصد مکه است.

محمد عزة دروزه نیز بر آن است که نزول این آیات باید پس از فتح مکه باشد. به‌دلیل آن‌که در آن‌ها سخن از اعلان در مراسم حج است و این مستلزم تسلط مسلمانان بر مکه و مسجدالحرام است و این امر جز پس از فتح مکه محقق نشد (دروزه ۱۳۸۳ ق: ج ۹، ۳۴۲-۳۴۳).

## ۲.۶ گمانه نزول پس از فتح مکه، سال هشتم

به نظر می‌رسد، منظور از پیمانی که نزدیک مسجدالحرام بسته شده و در آیه هفتم سوره «توبه» بدان اشاره شده است، همان پیمان حدیبیه باشد. قبایلی چون بنی بکر و بنی مدلیج هم پیمان قریش شدند و قبایلی چون خزاعه هم پیمان مسلمانان. در سال هشتم هجری و پیش از فتح مکه، قریش و بنی بکر پیمان مذکور را شکستند و این امر به فتح مکه انجامید، اما پیمان مذکور در مورد قبایل دیگر هم چنان به قوت خود باقی بود. چنان‌که در منابع تاریخی آمده است، این غزوه بدون جنگ و خونریزی به انجام رسید (ابن سعد ۱۴۱۰ ق: ج ۳، ۱۰۳-۱۰۴).

چنان می‌نماید که آیات ۱ تا ۲۴ در ماه رمضان سال هشتم هجری، مصادف با فتح مکه در بیستم رمضان همان سال، نازل شده است. چهارماهی که طی آیات برائت به مشرکان فرصت داده شده عبارت است از شوال، ذی‌قعدة، ذی‌حجه سال هشتم هجری، و محرم سال نهم هجری. در این آیات افزوده شده است که پس از ماه‌های حرام، یعنی ذی‌قعدة و ذی‌حجه سال هشتم و محرم سال نهم هجری، با مشرکان ناقض پیمان حدیبیه قتال کنید.

یک ماه بعد، یعنی پس از جنگ حنین که در دهم شوال سال هشتم هجری به وقوع پیوست، آیات ۲۵ تا ۲۸ نازل شد. در این آیات اظهار شده است که پس از این سال، یعنی هشتم هجری، مشرکان حق ندارند که به مسجدالحرام نزدیک شوند. چنان‌که آورده‌اند، پس از جنگ حنین، رسول خدا (ص) از همان «جعرانه» محرم شد و برای برگزاری عمره به مکه رفت و پس از اتمام اعمال عمره عتاب بن اسید را، که جوانی خردمند و بردبار بود، به حکومت مکه منصوب کرد و معاذبن جبل را نیز در مکه گذارد تا به مردم قرآن و احکام دین بیاموزد و اواخر ماه ذی‌قعدة به مدینه بازگشت (ابن هشام بی تا: ج ۲، ۵۰۰). از این رو، رسول خدا (ص) در روز حج اکبر در مکه حضور نداشت و ظاهراً شرایط مکه برای اعلان برائت در سال هشتم هجری مهیا نبود و آن را به سال دیگر یعنی سال نهم وا گذاشت و حضرت علی (ع) را به جای خود فرستاد تا در ذی‌حجه سال نهم هجری آیات برائت را در مکه قرائت کند. سیاق آیات نیز با این گمانه هماهنگ است، یا دست کم منافاتی ندارد.

باتوجه به این‌که جنگ حنین در دهم شوال هشتم هجری واقع شد، آیات ۲۵ تا ۲۸ که در آن امداد الهی در جنگ حنین یاد شده است، باید پس از آن نازل شده باشد. مراد از «عامهم هذا» نیز سال هشتم هجری باید باشد. می‌توان گفت که اگرچه آیات برائت در ماه‌های قبل از ذی‌حجه سال هشتم هجری نازل شده، نظر به این‌که پیامبر در ذی‌قعدة آن سال به مدینه بازگشت و در ذی‌حجه آن سال در مکه نماند و هنوز مردم آماده اعلان برائت نبودند، اعلان برائت به ذی‌حجه سال نهم وا گذاشته شد تا امام علی (ع) آن را انجام دهد.

باتوجه به این که این نظریه با ظاهر آیات تطابق دارد و نیز با نظریه موافق نزول بودن ترتیب آیات سازگار است، می‌تواند بیان‌گر زمان نزول آیات براءت باشد.

### ۳.۶ گمانه نزول پیش از ابلاغ، در سال نهم هجری

ابن هشام آورده است که در سال نهم هجری، چون آیات براءت نازل شد، رسول خدا (ص) علی (ع) را فراخواند و آیات را به او داد تا به مکه ببرد و به مردم ابلاغ کند، درحالی که پیش از آن، ابوبکر را با عده‌ای از مسلمانان برای برگزاری مراسم حج به مکه فرستاده بود (ابن هشام بی تا: ج ۲، ۵۴۵-۵۴۶). این داستان بسیار مشهور است و می‌توان با صرف نظر از جزئیات در کلیات آن ادعای تواتر معنوی کرد، چنان که طبرسی آن را مورد اجماع مفسران و ناقلان اخبار دانسته است (طبرسی ۱۳۷۲ ش: ج ۵، ۶؛ در این باره، بنگرید به واقدی ۱۴۰۹ ق: ج ۳، ۱۰۷۷؛ ابن سعد ۱۴۱۰ ق: ج ۲، ۱۲۷-۱۲۸؛ طبری ۱۳۸۷ ق: ج ۳، ۱۲۲-۱۲۳). لازمه این روایات، به ویژه روایت ابن هشام، که در آن به نزول آیات براءت پس از حرکت کاروان حج مسلمین تصریح دارد، این است که نزول آیات براءت پس از حرکت کاروان مسلمانان از مدینه به سمت مکه، برای برگزاری حج اتفاق افتاده باشد و این زمان باید پس از ماه رمضان، یعنی پایان غزوه تبوک، و در ماه شوال یا ذی قعدة سال نهم هجری باشد، چنان که عده‌ای از مفسران نزول این آیات را در شوال سال نهم هجری دانسته‌اند (طبری ۱۴۱۲ ق: ج ۱۰، ۴۳؛ طوسی بی تا: ج ۵، ۱۶۹؛ طبرسی ۱۳۷۲ ش: ج ۵، ۱۲؛ آلوسی ۱۴۱۵ ق: ج ۵، ۲۳۹؛ دروزه ۱۳۸۳ ق: ج ۹، ۳۵۱).

چنان می‌نماید که مفسران از ظاهر تعدادی از آیات براءت غفلت کرده‌اند که طی آن‌ها مسلمانان به قتال با مشرکان قریش برانگیخته شدند و اظهار شده است که چرا با کسانی که پیامبر (ص) را از مکه اخراج کردند و پیمان حدیبیه را شکستند، مقاتله نمی‌کنید. گویا آنان چنان اندیشیده‌اند که وقتی آیات براءت در ذی حجه سال نهم اعلان شده است، طبیعی است که در فاصله اندکی پیش از آن نازل شده باشد. به همین رو، نتیجه گرفته‌اند که زمان نزول آیات براءت پس از غزوه تبوک و در فاصله ماه‌های شوال تا ذی قعدة سال نهم هجری بوده است. اما این نظر با ظاهر آیات براءت که طی آن‌ها امر به قتال با مشرکان قریش شده است، سازگاری ندارد. افزون بر آن، رعایت نشدن ترتیب طبیعی نزول در چینش آیات نیز غیرموجه است، زیرا وجهی ندارد که وقتی آیات بخش اخیر سوره «توبه» درباره جنگ تبوک است و آن‌ها در ماه‌های رجب و شعبان و رمضان سال نهم نازل شده‌اند، آیات آغازین این سوره

بعد از آیات مربوط به جنگ تبوک جای گذاری شده باشد. از این که آیات برائت قبل از آیات جنگ تبوک قرار دارد، دانسته می شود که آیات برائت پیش از جنگ تبوک نازل شده است و در این باره معرفت نوشته است:

شایسته است که از اصالت سیاق در آیات غافل نشویم، زیرا که آن به همان صورت نخستین خود حفظ شده است. به این معنا که اساساً ترتیب آیات همان ترتیب نزول است، مگر هنگامی که خلاف آن به دلیلی ثابت شود. گرچه این گونه موارد نادر است (معرفت ۱۴۱۵ ق: ج ۱، ۲۸۰).

وانگهی، هیچ دلیل معتبری هم در دست نیست که اثبات کند آیات برائت برخلاف ترتیب نزولشان جای گذاری شده است.

## ۷. نتیجه گیری

۱. می توان گفت که ۲۸ آیه آغازین سوره «توبه» همان آیاتی اند که در موسم حج سال نهم هجری، علی (ع) آن ها را ابلاغ کرد. در مورد تعداد واحدهای نزول در این آیات نمی توان برآورد دقیقی داشت، ولی، چنانچه نزول آیات را مقارن با فتح مکه بدانیم، دست کم دو واحد نزول را می توان برای آن برشمرد؛ اول، آیات ۱ تا ۲۴ نازل شده مقارن با فتح مکه در ماه رمضان، دوم، آیات ۲۴ تا ۲۸ نازل شده پس از جنگ حنین در شوال یا ذی قعدة همان سال، اما آنان که نزول آیات برائت را در سال نهم هجری دانسته اند، ظاهراً همه ۲۸ آیه را در یک واحد نزول تلقی کرده اند.

۲. منظور از عهد در آیات برائت پیمان صلح حدیبیه است که میان رسول خدا (ص) و مشرکان قریش و هم پیمانان آن ها بسته شد. زمان نزول آیات برائت نمی تواند پیش از فتح مکه و قبل از خروج از مدینه باشد، زیرا آورده اند که خروج از مدینه برای فتح مکه پنهانی و غافل گیرانه بوده است. بنابراین، آیات برائت که طی آن ها امر به قتال با قریش به سبب پیمان شکنی شده است، نمی تواند پیش از آن نازل شده باشد.

۳. نظر مشهور بر این است که نزول آیات برائت اندکی قبل از ابلاغ، در شوال سال نهم هجری بوده است، ولی این نظر با ظاهر تعدادی از آیات برائت که طی آن ها امر به قتال با مشرکان پیمان شکن شده است و نیز مبنای ترتیب نزول آیات منافات دارد.

سرانجام، می توان گفت با فرض این که چینش آیات در سوره ها برخلاف نزول غیرموجه باشد و فاصله طولانی بین نزول آیات برائت و ابلاغ آن ها توجیه پذیر دانسته شود،

می‌توان نزول آیات برائت را در سال هشتم هجری و ابلاغ آن را در ذی‌حجه سال نهم هجری تاریخ‌گذاری کرد. در این صورت، آیات برائت دست‌کم دو واحد نزول را در بر دارد که واحد اول شامل آیات ۱ تا ۲۴ در رمضان سال هشتم و مقارن فتح مکه در بیستم رمضان همین سال، و واحد دوم شامل آیات ۲۵ تا ۲۸ در شوال همین سال، پس از جنگ حنین در دهم شوال سال هشتم هجری، نازل شده است و آن‌گاه در دهم ذی‌حجه سال نهم هجری ابلاغ شده است.

### کتاب‌نامه

- ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ ش)، *النهاية في غريب الحديث والاثار*، به تحقیق و به تصحیح محمود محمد طناحی و طاهر احمد زاوی، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۰ ق)، *الطبقات الكبرى*، به تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ ق)، *البدایة و النهایة*، بیروت: دار الفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۵۰ ش)، *الفهرست*، به اهتمام حبیب یغمایی، تهران: دانشگاه تهران.
- ابن هشام، عبدالله بن یوسف (بی‌تا)، *السيرة النبوية*، به تحقیق مصطفی سقا و ابراهیم ابیاری و عبد الحفیظ شلبی، بیروت: دار المعرفة.
- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، به تحقیق علی عبدالباری عطیة، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- بازرگان، مهدی (۱۳۸۵ ش)، *سیر تحول قرآن*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- جابری، محمد عابد (۲۰۰۸ م)، *فهم القرآن الحکیم: التفسیر الواضح حسب ترتیب النزول*، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة.
- دروزه، محمد عزة (۱۳۸۳ ق)، *التفسیر الحديث؛ ترتیب السور حسب النزول*، القاهرة: دار احیاء الکتب العربیة.
- دروزه، محمد عزة (بی‌تا)، *سيرة الرسول؛ صور مقتبسة من القرآن الکریم*، صیدا، بیروت: منشورات المكتبة العصرية.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت: دار القلم.
- رامیار، محمود (۱۳۸۷ ش)، *تاریخ قرآن*، تهران: امیرکبیر.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۴ ق)، *الدر المنثور؛ فی التفسیر بالمأثور*، قم: کتاب‌خانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۱۶ ق)، *الاتقان فی علوم القرآن*، به تحقیق سعید المندوب، لبنان: دار الفکر.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴ ش)، *ترجمة المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمد باقر همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰ ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: فراهانی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصرخسرو.

طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۳۸۷ ق)، *تاریخ الامم و الملوک*، به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث.

طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفة.

طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ ش)، *مجمع البحرین*، تهران: مکتبه المرتضویه.

طوسی، محمد بن حسن (بی تا): *التبیان فی تفسیر القرآن*، به تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۱۳ ق)، *حقاتق هامة حول القرآن الکریم*، بیروت: دار الصفوة.

فارسی، جلال الدین (۱۳۶۲)، *پیامبری و جهاد*، تهران: انجام کتاب.

فارسی، جلال الدین (۱۳۶۴)، *پیامبری و حکومت*، تهران: انجام کتاب.

فارسی، جلال الدین (۱۳۶۷)، *پیامبری و انقلاب*، قم: امید.

فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق)، *التفسیر الکبیر؛ مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

قمی مشهدی (۱۳۶۸ ش)، *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ ش)، *تفسیر التیمی*، قم: دار الکتاب.

المبانی فی نظم المعانی (۱۳۷۵ ق)، در مقدمتان فی علوم القرآن، به تصحیح آرثور جفری، القاهرة: مکتبه الخانجی.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسة الوفاء.

معرفت، محمدهادی (۱۴۱۵ ق)، *التمهید فی علوم القرآن*، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.

مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ ق)، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ملاحویش آل غازی، سیدعبدالقادر (۱۳۸۲ ق)، *بیان المعانی*، دمشق: مطبعة الترقی.

نکونام، جعفر (۱۳۷۸ ش)، «بررسی جدیدترین نظریه در ترتیب نزول آیات»، *پژوهش های فلسفی - کلامی*، ش ۱.

نکونام، جعفر (۱۳۸۰ ش)، *درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن*، تهران: هستی نما.

واقدی، محمد بن عمر (۱۳۶۹ ش)، *مغازی: تاریخ جنگ های پیامبر (ص)*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ ق)، *کتاب المغازی*، به تحقیق مارزدن جونس، بیروت: مؤسسة الأعلمی.

یعقوبی، احمد بن اسحاق (بی تا)، *تاریخ یعقوبی*، بیروت: دار صادر.